

احزاب سیاسی ایران

نقش زنان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷

محمود نفیسی

آیت الله خمینی در آغاز دههٔ چهل در خطاب به جامعهٔ مردان، زمانی که از زنان سخن می‌گفت، از تساوی حقوق زن و مرد ابراز انزجار می‌کرد و دخالت زنان در اجتماع را عامل فساد قلمداد می‌نمود، اما در پایان دههٔ پنجاه، زنان را بطور مستقیم مورد خطاب قرار داد، شرکت آنان را در انقلاب می‌ستود و از برابری حقوق زن و مرد در اسلام دم می‌زد. او در مصاحبه‌ها و نطق‌های انقلابی‌اش حق زنان را برای رأی دادن و انتخاب شدن و آزادی در تحصیل و کار به رسمیت شناخت. دگرگونی‌های انقلابی در آیت‌الله خمینی ناشی از دگرگونی‌های بازگشت‌ناپذیر موقعیت زنان در ایران بود و شرکت وسیع زنان در انقلاب، خود بیانگر تغییر بنیادی جایگاه آنان در جامعه بود که در فاصلهٔ دو انقلاب مشروطه ۱۲۹۰ - ۱۲۸۵ (۱۹۱۱ - ۱۹۰۶ میلادی) و



حضور زنان و نقش آفرینی آنان

نکاتی که درباره نقش زنان در انقلاب مشروطه به اختصار از نظر گذشت ما را به تأمل و اندیشه درباره این موضوع مهم دعوت می کند که صرف حضور زنان در یک رویداد اجتماعی از جمله انقلاب ها را نمی توان به حساب مبارزه فمینیستی گذاشت. در کاربرد لفظ انقلاب، فارغ از ارزش گذاری مثبت یا منفی، به آنگونه کشمکش اجتماعی - سیاسی نظر دارم که به دگرگونی بنیاد سیاسی یک کشور منجر می شود و مفهوم فمینیسم را در معنای عام، مبارزه برای به دست آوردن آزادی، برابری و استقلال زنان بکار می برم. انقلاب مشروطه با ایجاد قانون اساسی و مجلس در دگرگونی بنیاد سیاسی جامعه قدم هایی برداشت اما به لحاظ شناسایی حتی صوری حقوق زنان هیچ گامی بر نداشت. زنان در قانون برآمده از انقلاب در ردیف صغیران و مهجورین قلمداد شدند و حتی موجودیت مبارزه آنان نیز تنها دهه های بعد موضوع در خور توجهی شد. این واقعیت بیانگر نکته ای مهم است. تحقق حقوق دمکراتیک در گرو روندی است که طی آن نه فقط برخورداری آدمیان از این حقوق به رسمیت شناخته می شود، بلکه صاحبان حقوق در عرصه جامعه به مثابه نقش آفرینان اجتماعی - سیاسی باز شناخته می شوند. قوام ذهنیت مدرن، بدون پذیرش آزادی بیان و قلم و فعالیت اجتماعی و سیاسی میسر نیست و در غیاب رسانه های آزاد، فعالیت سازمان ها و گروه ها و سندیکاها و احزاب تحقق نخواهد یافت و تحول مدرن امکان پذیر نخواهد بود. موقعیت زنان در جامعه موضوعی است که به وضوح این واقعیت را نشان می دهد. لازمه آزادی زنان از میان برداشتن فرودستی و نابرابری هایی است که قوانین و سنن و آداب و اخلاق رایج بطور مداوم باز تولیدشان می کند. برای تفسیر موقعیت زنان، نه تنها قوانین، بلکه تصاویر و مفاهیم رایج درباره زن، رابطه زن و مرد و نقش های جنسیتی، بایستی دستخوش



ایرج میرزا، دهخدا، تقی زاده و وکیل الرعایا می گوید. «هما ناطق» با یادی از طاهره قره العین (۱۸۱۰-۱۸۴۸) می نویسد: «در آغاز نیمه دوم سده نوزده، ایران نخستین و یکتا سرزمین اسلامی بود که مسأله زن را گستاخانه و بی پروا به میان آورد، به رغم دولت مذهبی و اقتدار اهل مذهب و به رغم کمبود آگاهی و فقدان شرایط ذهنی.^(۳) در همین حال هما ناطق در نقد کلی بافی ها و جمله پردازی ها در تجلیل از شرکت فعال زنان در مبارزات ضد استبدادی و ضد اسعماری و دمکراتیک در جریان انقلاب مشروطه، با آوردن مثال هایی از دنباله روی زنان از ملایان واپس گرا، تأکید می کند که نقش ارزنده و خلاق را باید نخست در مطبوعات و عالیت های فرهنگی نهضت مشروطیت جست. (۴) که در متن آن: «زنان در پیکار علیه جهل و اماندگی خود، به ستیز علیه جهل و واپس ماندگی حاکم بر می خیزند و به راهیابی، برای فرار از چنگال سنن و احکام پوسیده اقدام می کنند. در این باره هما ناطق به نوشته هایی همچون رساله «معایب الرجال» بی بی خانم استرآبادی اشاره دارد و نیز مکتوبات زنان پیشرو در نشریات مرقی و فعالیت های آنان در ایجاد مدارس دخترانه و شرکتشان در انجمن های مخفی که ملایان برپایی آن را زیر سر بایان می دانستند.

انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) رخ داد. «ژانت افاری» در کتاب «انقلاب مشروطه ایران» این نکته را مطرح می کند که رخدادهای انقلاب ۱۳۵۷ سبب ساز جستجو و یادآور داستان فراموش شده مبارزات زنان ایران در انقلاب مشروطه شد چرا که هواداران آزادی زنان در مواجهه با افکار و اقوالی که فمینیسم را به مثابه پدیده ای غربی نفی می کرد و در میان بسیاری از چپ گرایان نیز این تفکر رواج داشت، به ناگزیر در جستجوی ریشه های فمینیسم بومی بر آمدند و این کوشش به تحقیق و بازشناسی نقش زنان پیشرو ایرانی در سال های پایانی قرن نوزده و اوایل قرن بیست انجامید.^(۱) ژانت افاری بر این نظر است که جنبش مبارزه برای حقوق زن در ایران بطور عمده ریشه در انقلاب مشروطه دارد. در سخن از این جنبش اشاره او به ذاتی است که اغلب از طبقات بالای جامعه بودند و مستقل از دولت و متشکل در انجمن ها به تأسیس نهادهای آموزشی و مدنی پرداختند و علیرغم شمار اندکشان توانستند تغییرات مهمی در زندگی زنان شهری پدید آورند. در میان اینان، گروهی از زنان روشنفکر به نقد و ستیز با اندیشه های غالب پرداختند و خواستار اصلاحاتی شدند که با زبان امروزی، فمینیستی تلقی می شود.^(۲) او همچنین از نوشته ها و اقدامات مردان مرقی حامی حقوق زنان در میان شعرا و روزنامه نگارانی نظیر



این دو قشر بطور اساسی بدون تغییر باقی مانده بود. آنچه سبب تعجب اکثر ناظران در سال ۱۳۵۷ بود، مشارکت فعال تعداد عظیمی از زنان از طبقات مختلف و اقشار تحصیل کرده در انقلاب ۵۷ بود. آنها حجاب داشتند، در خیابان ها تظاهرات می کردند و همدوش مردان علیه شاه و به هواداری از آیت الله خمینی شعار می دادند. این زنان که بودند؟ چرا آنها از آن مرد عمامه بسر پشتیبانی می کردند؟ به چه چیزی می خواستند دست یابند؟ این پرسش ها سوالات مهمی بود که در اذهان ناظران غربی وجود داشت. در اینجا رابطه جنبش ضد شاه با زنان ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

دو گروه متضاد از زنان، انقلاب ضد شاه را پشتیبانی کردند: زنان باسواد (حتی زنتی با تحصیلات عالیه) و زنان بی سواد. تا سال ۱۳۵۷ به رغم دست آوردهایی در آموزش، حدود ۶۰ درصد ایرانی ها بی سواد بودند که اکثر آنها را زنان تشکیل می دادند. حمایتی که آیت الله خمینی از سوی توده های بی سواد زنان به دست آورد نباید تعجب برانگیز باشد. این بخش از زنان همواره از رهبران مذهبی و از اکثر عناصر سنت گرا در ایران حمایت می کردند. مردم به آموزه های روحانیت شیعه در مراسم نماز جماعت گوش فرا می دادند و به آنها اعتماد داشتند. سخنان روحانیون برای این گروه از زنان تردید یا پرسشی را ایجاد نمی کرد زیرا روحانیون مذهبی از نظر این گروه از زنان حامل کلمات خداوند بودند. این وفاداری



و تباهی است.» هرچند منظور او تأثیرات رشد اقتصادی بر طبقات مختلف است، اما اظهار نظر او بطور احتمال درست است که می گوید: «کسانی که به انقلاب روی می آورند کسانی نیستند که با فقر خو گرفته اند بلکه کسانی هستند که جایگاهشان در نظم اجتماعی در حال تغییر است.

بی شک انقلاب علیه شاه این نقطه نظر اُسن را ثابت می کند. ایران از معدود کشورهای در حال توسعه بود که از درآمد ناشی از منابع طبیعی خود، بویژه نفت، برای پیشبرد برنامه های توسعه استفاده می کرد. درآمد سالانه نفتی ایران از ۲/۵ بیلیون دلار به حدود ۱۸ بیلیون دلار بین سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۳ افزایش پیدا کرد. بین سال های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ مخارج برنامه های اقتصادی، اجتماعی و عمومی بطور تقریب به ترتیب ۶۴ و ۴۵ و ۴۳ درصد افزایش یافت. بانک مرکزی ایران گزارش کرد که درآمد سرانه در ایران در فروردین ۱۳۵۳، ۸۱۵ دلار است. این میزان در فروردین ۱۳۵۴ به ۱۲۰۰ دلار رسید که رشدی ۵۰ درصدی را نشان می داد. مقایسه درآمد سرانه ایران بین سال های ۱۳۴۴ و ۱۳۵۵ از رشد ۶۰۰ درصدی خبر می دهد. طبقه متوسط و لایه های پائین این طبقه، مدافعان اصلی حرکت ضد شاه بودند. تشکیل لایه های این طبقه محصول زمان شاه و برنامه های مدرنیزاسیون او بود. روستائیان و مردم فقیر شهری در جنبش ضد شاه سال ۵۷ از مرکز رهبری و هدایت این جنبش کنار گذاشته شدند. در تمام دوران حاکمیت پهلوی موفقیت

دگرگونی قرار گیرند. آزادی زنان جز رهائی رابطه زن و مرد از قیود مرد سالاری میسر نیست و دستیابی زنان به برابری بالطبع موجب بحران ارزشی است چرا که ارکان روابط سنتی نابرابر در خانواده را متزلزل می کند. درهم ریختن نقش های از پیش تعیین شده هویتی زنانه و مردانه بطور طبیعی اخلاق رایج را دستخوش گسیختگی می کند. اداره این بحران های طبیعی در جهت مدنیت، مستلزم پیشبرد همزمان تغییرات قانونی - اجتماعی و فرهنگی است و لازمه آن، دگرگونی ارزش هایی است که به مرد سالاری امکان و رونق می دهد. اما این ارزش ها با ساز و کار اقتدار در جامعه رابطه دارند. قدرت مطلقه و اقتدار پدرسالار دارای همخوانی هایی هستند. و برعکس دموکراسی راه را برای دگرگونی ارزش های پدر سالاری می گشاید. در اینجا از دموکراسی آن الگوی ایده آلی در نظر است که آئینی جمعی و فردی را پی می افکند. در این معنا، فرد آزاد و مختار به مثابه شهروند در پایه گذاری قوانین عمومی شریک است و از آن بهره مند است و در برابر آن مسئول. این الگوی ارزشی رابطه ای چند جانبه میان آزادی و برابری و استقلال برقرار می کند که البته چند و چون آن در گرو توازن قواست و منوط به مبارزات اجتماعی - سیاسی و فرهنگی. دموکراسی طرحی است برای این مبارزات و گشاینده راه برای تحول فرد و جمع. در این معناست که مدرنیست بطور صرف به مدرنیزاسیون «به معنی نوسازی اقتصادی و اجتماعی» خلاصه نمی شود بلکه فراهم آورنده روند تحولی مداوم در جهت مدنیت است. (۵)

در حکومت محمدرضا شاه، زنان به آموزش دست یافتند اما فقدان دموکراسی آنان را همچون احاد جامعه از پویایی شهروندی محروم می کرد. (۶)

حقوق زنان و جنبش ضد شاه

بطور احتمال حق با «منکار اُسن» (۷) است که می گوید: «رشد سریع اقتصادی منشأ فساد



رسید. دختراتی که در مدارس متوسطه در سال ۱۳۳۳ ثبت نام کردند تنها ۲۴ درصد از کل ثبت نام کنندگان بودند. در سال ۱۳۴۳ این تعداد به حدود ۳۱ درصد رسید و در ۱۳۵۳ بطور تقریب به ۳۵ درصد افزایش یافت. تعداد دختران در آموزش عالی نیز رشد داشت. در ۱۳۵۰ بیش از ۲۵ درصد از دانشجویان مؤسسات آموزش عالی را دختران تشکیل می دادند و در ۱۳۴۵ تعداد آنها تا ۲۹ درصد افزایش پیدا کرد. تا ۱۳۵۷ حدود ۳۸ درصد از دانشجویان دانشگاه های ایران و بطور تقریب نیمی از ۵۰ هزار دانشجویی که در خارج از کشور تحصیل می کردند نیز زنان تشکیل می دادند. (۸)

ادامه دارد

باسواد بودند. اما در ۱۳۴۵ این تعداد به حدود ۱۸ درصد افزایش یافت و در سال ۱۳۵۰ از ۲۶ درصد نیز فراتر رفت به طوری که بیش از ۴۹ درصد زنان شهری باسواد بودند. همان طور که انتظار می رفت مناطق شهری از بالاترین میزان زنان باسواد برخوردار بودند اما در مناطق روستائی تنها حدود ۹ درصد از زنان قادر به خواندن و نوشتن بودند. در دو دهه ۴۰ و ۵۰، تعداد دانش آموزان دختر در مدارس ابتدائی و متوسطه و در آموزش عالی افزایش پیدا کرد. در ۱۳۳۳، زنان فقط ۲۶ درصد از مجموع ثبت نام کنندگان در مدارس ابتدائی را تشکیل می دادند. این تعداد در سال ۱۳۵۳ به ۳۷ درصد

بی چون و چرا بارها و بارها نشان داده شده بود، از جمله در دوران انقلاب مشروطه، همچنین پس از تبعید رضاشاه و حتی در دوران مصدق. اما یک جنبه شگفت انگیز انقلاب ضد شاه مشارکت فعال زنان باسواد شهری است. چنین به نظر می رسد که این مسأله با تحقق دستاوردهای رژیم شاه به نفع زنان مغایر بوده است. در ادامه مطلب این مسأله را با جزئیات بیشتری دنبال می کنیم.

آموزش در برابر نظام ارزش های سنتی
میزان باسوادی در میان زنان در دو دهه قبل از انقلاب رشدی جهشی داشته است. در ۱۳۳۸ تنها حدود ۸ درصد از کل زنان ۷ سال به بالا

ف. ویژه نامه: تأملی بر انقلاب بهمن و مسائل زنان؛ مقاله: «درنگی بر نقش زنان در انقلاب؛ شهلا شفیق؛ ص ۵۰
۶- همانجا
۷- Mancur Olson
۸- «جنبش حقوق زنان در ایران»؛ الیز سائاساریان؛ ترجمه نوشین احمدی خراسانی؛ نشر اختران؛ چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹ تا ۱۶۱

پاتویس
۱- زالت آفاری؛ «انقلاب مشروطه ایران»؛ ترجمه رضا رضائی؛ نشر بیستون؛ تهران ۱۳۷۹، ص ۳۴
۲- همانجا، ص ۲۳۴ و ۲۳۵
۳- همانا؛ مسأله زن در برخی از منویات چپ از نهضت مشروطه تا عصر رضاخان؛ ماهنامه زنان نو؛ شماره ۱؛ پاریس، آبان ۱۳۶۲
۴- همانجا

فراآوردهای بهداشتی و آرایشی

دکتر گلشاهی
فر هوستون

برای دریافت فراآوردهای

Cosmetic Anti-Age

با من Olga Flores تماس بگیرید

10% Glycolic Acid Facial Cream • Moisturizing Cream
Skin Rejuvenation Cream

832-878-4984

ABC Better Life



\$39⁹⁹ + tax

Call Olga Flores

832-878-4984

www.abcbetterlife.com

شیلنگ شیردار

به آسانی می توانید نصب کنید